

مِن طَرَائِفِ الْحِكْمَةِ

«أُنْكِى عَلَى حَالِكَ»

قِيلَ إِنَّ بُهْلُولًا دَخَلَ يَوْمًا قَصْرَ الرَّشِيدِ، فَرَأَى الْمَسْنَدَ الْخَاصَّ لَهُ فَارْتَعَا .
فَجَلَسَ عَلَيْهِ لِحِظَةِ جُلُوسِ الْمُلُوكِ، فَرَأَهُ الْحَدَمُ، فَضَرَبُوهُ ضَرْبًا شَدِيدًا وَ سَحَبُوهُ عَنْ
مَسْنَدِ الرَّشِيدِ . وَ فِي هَذِهِ اللَّحِظَةِ دَخَلَ هَارُونُ الْقَصْرَ وَ رَأَى «بُهْلُولًا» جَالِسًا يَبْكِي !





فَسَأَلَ الْخَدَمَ عَنِ السَّبَبِ، فَقَالُوا: رَأَيْنَاهُ
 جَالِسًا عَلَى مَسْنَدِكَ، فَضَرَبْنَاهُ تَأْدِيبًا لَهُ.
 فَأَشْفَقَ الرَّشِيدُ عَلَى بَهْلُولٍ وَقَالَ لَهُ:
 لَا تَبْكِ يَا صَدِيقِي! إِنِّي سَأَعِيبُ الْخَدَمَ!!
 فَأَجَابَ بَهْلُولٌ: يَا هَارُونَ! إِنِّي لَا أَبْكِي
 عَلَى حَالِي وَلَكِنْ أَبْكِي عَلَى حَالِكَ! أَنَا جَلَسْتُ
 عَلَى مَسْنَدِكَ لِحِظَةً وَاحِدَةً فَعَوِقِبْتُ بِهَذَا
 الضَّرْبِ الشَّدِيدِ، وَأَنْتَ جَالِسٌ فِي هَذَا الْمَكَانِ
 طَوْلَ عَمْرِكَ فَكَيْفَ سَتُعَاقَبُ فِي الْآخِرَةِ!؟

«مِنْ حَدِيثِ لَقْمَانَ الْحَكِيمِ لِوَلَدِهِ»

سَمِعْتُ الْكَثِيرَ مِنْ حِكْمِ الْأَنْبِيَاءِ، فَاخْتَرْتُ لَكَ ثَمَانِي؛ مِنْهَا:
 إِنَّ كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَاحْفَظْ قَلْبَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ فِي مَجَالِسِ النَّاسِ فَاحْفَظْ لِسَانَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ فِي بُيُوتِ النَّاسِ فَاحْفَظْ بَصَرَكَ.

وَإِنْ كُنْتَ عَلَى الطَّعَامِ فَاحْفَظْ مَعِدَتَكَ.

إِثْنَانِ لَا تَذْكُرْهُمَا أَبَدًا:

إِسَاءَةَ النَّاسِ إِلَيْكَ وَإِحْسَانَكَ إِلَى النَّاسِ.

وَإِثْنَانِ لَا تَنْسَهُمَا أَبَدًا:

اللَّهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ!

١- أحد الحكماء القدامى. هو وإن لم يكن نبياً سُميت إحدى سور القرآن باسمه.

المفعول المطلق و المفعول له

دو گروه از کلمات زیر را با هم مقایسه کنید، سپس پاسخ های مناسب را معین نمایید :

۲
خروج
إرسال
تعلیم
صَبْرٌ

۱
خَرَجَ
أَرْسَلَ
يُعَلِّمُ
يَصْبِرُ

- ۱- کلمات مجموعه ی دوم ... می باشند.
 ۲- چنین اسم هایی ... نام دارند.
- اسم فعل حرف
 اسم فاعل مصدر اسم مفعول

سؤال:

- ۱- می دانید فرق مصدر با فعل در چیست؟
 ۲- چه فرقی بین دو مصدر «جُلوس» و «إِجلاس» وجود دارد؟
 ۳- چگونه می توان مصادر «افعال مزید» را از مصادر «افعال مجرد» تشخیص داد؟
 حال که مصدر را شناختیم، بیاییم با کاربردهای مصدر در زبان عربی نیز آشنا شویم.

المفعول المطلق

۱

آیا تاکنون اتفاق افتاده که بخواهیم دیگران را از انجام کاری، مطمئن کنیم و آن ها را از شک و تردید بیرون بیاوریم؟

برای این منظور، جمله ی خود را با چه اسلوبی بیان می کنیم؟
 به دو گروه از جملات زیر در زبان فارسی توجه کنیم :

۲
دانش آموز کوشا قطعاً موفق می شود. راستگویی انسان را مطمئناً نجات می دهد. به عهدم کاملاً پای بندم.

۱
دانش آموز کوشا موفق می شود. راستگویی انسان را نجات می دهد. به عهدم پای بندم.

مصادر زبان عربی در فارسی بسیار کاربرد دارند؛ آیا می توانید به چند نمونه اشاره کنید؟

— در کدام یک از مجموعه‌ها انجام فعل، با تأکید و اطمینان بیش‌تری بیان شده است؟
— این تأثیر را مدیون حضور چه کلماتی می‌دانید؟

در زبان فارسی هرگاه تحقق یافتن فعلی مورد تردید
شنونده قرار گیرد، برای تأکید و اطمینان می‌توان از کلماتی
چون: مسلماً، یقیناً، حتماً و ... استفاده کرد.

بدانیم

سؤال :

آیا در زبان عربی نیز می‌توان چنین جملاتی را با تأکید بیان کرد؟
برای یافتن پاسخ با ما همراه شوید!

به دو عبارت زیر و ترجمه‌ی آن‌ها توجه کنید :

يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ . «دانش‌آموز در درس تلاش می‌کند.»

يَجْتَهِدُ الطَّالِبُ فِي الدَّرْسِ اجْتِهَادًا . «دانش‌آموز در درس مسلماً تلاش می‌کند.»

آیا می‌دانید معادل این
نقش در زبان فارسی چه
نام دارد؟

— با توجه به ترجمه، کدام عبارت به قصد تأکید و رفع تردید
بیان شده است؟

— چه کلمه‌ای را علت این امر می‌دانید؟

— «اجتهاداً» چه نوع اسمی است؟

— آیا به یکی از وظایف مهمّ مصدر در جملات پی بردید؟!

هرگاه انجام فعلی نیاز به تأکید و رفع ابهام داشته باشد، مصدر
آن فعل به کمک می‌آید! به چنین مصدری در زبان عربی
«مفعول مطلق» می‌گویند.

بدانیم

بدانیم

در عبارت فوق، مصدر به همراه فعل خود آمده است. به این نوع مفعول مطلق، «مفعول مطلق تأکیدی» می‌گویند.

للتدریب

عَيْنَ الْمَفْعُولِ الْمَطْلُوقِ:

نَزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ تَنْزِيلاً. «خداوند قرآن را یقیناً نازل فرمود».

نَحْرَضُ عَلَى مَصَاحِبَةِ الْأَخْيَارِ حِرْصاً. «مسئلاً به هم نشینی با نیکان مشتاقیم».

با دقت در مثال‌های فوق تعیین کنید مفعول مطلق دارای

کدام یک از ویژگی‌های زیر است:

مرفوع

منصوب

از ریشه‌ی فعل خود

غیر هم ریشه با فعل خود

مصدر

مشتق

نکته ۱

در دو عبارت زیر پس از تعیین مفعول مطلق به سؤالات پاسخ دهید.

﴿اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾ «خداوند را بسیار یاد کنید.»

يَعِيشُ الْبَخِيلُ عَيْشَةَ الْفُقَرَاءِ. «بخیل چون فقرا زندگی می‌کند.»

۱- دو کلمه‌ی «کثیراً» و «الفقراء» به ترتیب چه نقشی دارند؟

مضاف‌الیه، مضاف‌الیه صفت، مضاف‌الیه

۲- با توجه به نقش، این دو کلمه چه توضیحی را برای مصدر خود دربر دارند؟

زمان انجام فعل نوع انجام فعل مکان انجام فعل

سروکار ما در مفعول مطلق با خود «فعل» است. «فعل» را می‌خواهیم مقید کنیم!

مفعول مطلق برای انجام وظیفه، گاهی از کلمه‌ای دیگر کمک می‌گیرد!

بدانیم

گاهی مفعول مطلق، با کمک کلمه‌ی بعد از خود، نوع انجام فعل را بیان می‌کند. به این نوع مفعول مطلق، «مفعول مطلق نوعی یا بیانی» می‌گویند.

نکته ۲

به عبارات زیر توجه کنید:

صَبْرًا عَلَى السَّدَائِدِ. «باید در برابر مشکلات شکیبا باشی.»
حَمْدًا لِلَّهِ عَلَى نِعْمَائِهِ. «سپاس خدای را به خاطر نعمت‌هایش!»

کلمات «صبراً» و «حمداً» مصدر و منصوب هستند، اما فعل هم‌ریشه‌ی آن‌ها کجاست؟

بدانیم

گاهی مفعول مطلق به تنهایی و بدون فعل می‌آید؛ در این صورت آن را مفعول مطلق برای فعل محذوف می‌دانیم!

مهم‌ترین مصادری که بدون فعل ذکر می‌شوند، عبارتند از:

حَقًّا (به راستی)، أَيْضًا (هم‌چنین)، جِدًّا (واقعاً، بسیار)، شُكْرًا (متشکرم)،
سَمْعًا و طَاعَةً (به چشم! اطاعت می‌شود)، سُبْحَانَ اللَّهِ (خداوند منزّه است)،
مَعَادَ اللَّهِ (به خدا پناه می‌برم) و ...

المفعول له

۲

اکنون با کاربرد دیگری از مصدر آشنا می‌شویم.

می‌دانیم که هر روز، کارهای مختلفی چون: درس خواندن، سؤال کردن و ... انجام می‌دهیم؛

آیا برای هر کدام از کارهایی که انجام می‌دهیم، دلیلی هم داریم که علت و سبب انجام کار را بیان کند؟

مسئلاً چنین است!

مفعول مطلق به تنهایی و بدون همراهی فعل نیز انجام وظیفه می‌کند!

چگونه این مصادر بدون فعل را بشناسیم؟!

به عبارت زیر و ترجمه‌ی آن توجه نمایید و به سؤالات پاسخ دهید:

يُصَلِّي الْمَوْمِنُ قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ. «مؤمن به خاطر تقرب به خدا نماز می‌خواند.»

- ۱- چه کاری انجام شده است؟
 نماز خواندن نزدیک شدن
- ۲- «قُرْبَةً» چه نوع کلمه‌ای است؟
 فعل مصدر
- ۳- «قُرْبَةً» چه مفهومی را بیان می‌کند؟
 انجام فعل علت انجام فعل

نتیجه:

«قُرْبَةً» مصدری است که علت «نماز خواندن» را بیان کرده است.

بدانیم

مصدر می‌تواند علت و سبب وقوع فعل را بیان کند.
به چنین مصدری «مفعول له» یا «مفعول لأجله» می‌گویند.

اگر فعل مورد بازخواست قرار گیرد، چه کسی پاسخگو است؟

للتدريب
عَيْنِ الْمَفْعُولِ لَهُ:

الْمَوْمِنُ يَتْرُكُ الْمَعْصِيَةَ حِيَاءً مِنَ اللَّهِ:

«مؤمن به خاطر شرم از خدا، گناه را ترک می‌کند.»

در ترجمه‌ی «مفعول له» از چه کلمه‌ای می‌توان استفاده کرد؟

با توجه به مثال‌های ذکر شده تعیین کنید مفعول له دارای کدام یک از ویژگی‌های زیر است.

هم ریشه با فعل خود

مجرور

مصدر

غیر هم ریشه با فعل خود

منصوب

اسم فاعل

«مفعول مطلق» و «مفعول له» در فارسی از جمله‌ی قیود به‌شمار می‌روند. وظیفه‌ی آن‌ها «مقید کردن» فعل است.

۱- مفعول مطلق، چگونگی وقوع «فعل» را نشان می‌دهد و یا آن را تأکید می‌کند:

نماز شب زیادی را برپا می‌داشتند (ترجمه‌ی غلط).

كانوا يقيمون صلاة الليل كثيراً :

نماز شب را زیاد برپا می‌داشتند (ترجمه‌ی صحیح).

برای ترجمه‌ی یک متن لازم نیست تمام واژه‌های آن متن را از قبل بدانیم!

۲- برای ترجمه‌ی مفعول مطلق تأکیدی و بیانی از قیود تأکیدی و بیانی نظیر: بی‌شک، بسیار، همچون و ... استفاده می‌کنیم.

تا چه حد به میزان توانایی خود در ترجمه واقفیم؟!

۳- کلمه‌ی «کنیراً» گاهی در جمله نقش «مفعول مطلق» را ایفا می‌کند.

۴- در ترجمه‌ی مفعول له از کلماتی مانند: برای، به‌خاطر، به‌جهت و ... استفاده می‌شود.

متن زیر را بخوانید و پس از پاسخ دادن به سؤالات، آن را ترجمه کنید:

النجوم الزاهرة

كان دورُ الطلابِ مُتميّزاً في الحربِ المفروضةِ. فساحتُ القتالِ لا تَسْئى شجاعةَ هذهِ النجومِ الزّاهرةِ. كانوا

يُقيمون صلاةَ الليلِ كثيراً و يُرتلون القرآنَ و الأُدعيةَ في الخنادقِ تريبلاً و عندَ القتالِ يُهاجمونَ العدوَّ مهاجمةَ الأسودِ حُباً لِلشّهادةِ في سبيلِ اللهِ.

نحنُ قدّمنا الجواهرَ الثّمينَةَ مِنَ السّببانِ في هذهِ الحربِ حتّى استَطعنا أن نَقفَ أمامَ هُجومِ الأعداءِ. فنَدْعُو اللهَ

أن يُوفّقنا لحفظِ أمانةِ أصدِقائنا الشّهداءِ و تحقّقِ آمالِهِم في بناءِ مُجتمعٍ سعيدٍ على أساسِ الحقِّ و العَدالةِ.

گاهی معنای واژه‌های نامعلوم از جمله‌های قبل و بعد آن کلمه مشخص می‌شود. البته نباید مراجعه به کلمات هم‌خانواده را فراموش کنیم!

انتخبِ الجواب الصحيح :

معنى المفردات

أ- زاهرة : تاريك ○ وحشتناك ○ درخشان ○

ب- ساحة : حياط ○ ميدان ○ باغ ○

ج- يُرتل : با دقت می‌خواند ○ با دقت می‌نویسد ○ با دقت می‌ریزد ○

د- خندق : بيابان ○ جاه ○ سنگر ○

هـ- المفروضة : تحميلي ○ تجملي ○ واجب ○

برای بی‌بردن به نکات قوت و ضعف خود، متن‌هایی را از غیر کتاب درسی انتخاب کنیم و با ترجمه‌ی آن‌ها خود را بیازماییم!

معنى العبارات

أ- قدّمنا الجواهر الثّمينَةَ مِنَ السّببانِ : گوهرهای گران‌قیمتی از جوانان را تقدیم کردیم. ○

گوهرهای گران‌قیمتی از جوانان ما را مقدّم نمودند. ○

ب- فنَدْعُو اللهَ أن يُوفّقنا : از خدا می‌خواهیم ما را موفق کند. ○

خدا را دعا می‌کنیم مرا موفق کند. ○

القواعد :

فاعل «لا تَسْئى» : أنت ○ شجاعة ○ هي ○



التمرین الاول

عَيْنِ الْمَفْعُولِ الْمَطْلَقِ وَالْمَفْعُولِ لَهُ:

- ۱- ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً﴾
- ۲- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾
- ۳- ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ﴾
- ۴- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾
- ۵- ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾
- ۶- خَيْرُ الْعِبَادَةِ هِيَ الَّتِي نَفَعَلَهَا حُبًّا لِلَّهِ تَعَالَى.
- ۷- يَعْيشُ الْبَخِيلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ وَيُحَاسِبُ فِي الْآخِرَةِ حِسَابَ الْأَغْنِيَاءِ!



التمرین الثاني

إِتِّخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

(الف) ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا﴾ : هر که از خدا و پیامبرش اطاعت کند، ...

- ۱- قطعاً به رستگاری عظیمی دست می یابد.
- ۲- رستگاری عظیمی را از آن خود کرده است.
- ۳- سعادت و رستگاری او عظیم خواهد بود.

(ب) ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعْدَبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا﴾ : و اما کسانی که کافر شدند ...

- ۱- به سختی عذاب خواهند شد.
- ۲- برای آنان است مجازاتی دردناک.
- ۳- به سختی عذابشان می کنم.

التمرين الثالث

ترجم العبارات التالية ثم عيّن إعراب «ذكراً» في كلّ منها:

- ١- ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾
- ٢- ﴿وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا﴾
- ٣- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا﴾

التمرين الرابع

ميّز المفعول المطلق من المفعول له في كلّ مجموعة:

١ نَعْبُدُ اللَّهَ شُكْرًا عَلَى نِعْمَائِهِ* .
شُكْرًا لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيْنَا نِعْمًا وَّافِرَةً* .

٢ ﴿وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا﴾
إِفْعَلِ الْخَيْرَ حُبًّا فِي الْخَيْرِ .

٣ أَكْرَمُ صَدِيقِكَ إِكْرَامَ الْأَخِ .
أَطِيعُ أُمَّيْ إِكْرَامًا لَهَا .



اقرأ و ترجم ثم ... :

قال علي عليه السلام:

- إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةُ التُّجَّارِ.
وإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ*.
وإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا، فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ.
١- عَيْنِ الْمَفْعُولِ لَهُ.
٢- مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ رَهْبَةً؟
٣- مَا هُوَ أَفْضَلُ الْعِبَادَاتِ؟



للتعريب:

- ١- ما باید در درس هایمان بسیار تلاش کنیم.
٢- مؤمن خدا را به خاطر عشق به او عبادت می کند.



جمال لفظ و معنی

الفاظ «مَرَكَبٍ» معانی و وسیله‌ی اظهار مفاهیم و مقاصد هستند. معانی هر چند پر بار و پر محتوی باشند، نیازمند وسیله‌ای زیبا و مناسب هستند تا بتوانند بر گوش مخاطبان و مستمعان بهترین تأثیر را بگذارند.

قرآن کریم به عنوان معجزه‌ی پیامبر اسلام، گذشته از آن که حاوی معانی والا و مفاهیم گران سنگ است، دارای زیباترین ساختار و مناسب‌ترین قالب‌ها برای القای معانی در دل مخاطبان است!

به منظور رعایت اصل زیبائشناسی، گاه کلماتی حروف خود را از دست می‌دهند و یا حتی اسم‌هایی از جمله حذف می‌شود!

از جمله مواردی که در قرآن کریم به منظور رعایت زیبایی قالب و حسن ظاهر رعایت شده است، حذف بعضی از اجزاء کلمه و یا جمله است.

رعایت «تناسب» و «تعادل» از اصول زیبایی‌شناسی است.

به آیات زیر توجه کنیم:

– ﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ﴾ [المتعالی] (الرعد : ۹)

[او] عالم به غیب و آشکار است، بزرگ و برتر است.

چرا حرف «یاء» از کلمه‌ی «المتعالی» حذف شده است؟! اگر به سوره‌ی «رعد» مراجعه کنیم می‌بینیم کلمات آخر آیات ماقبل در آیه‌ی مزبور، همگی به کسر ختم شده است. از این رو حرف «یاء» برای حفظ «تناسب» و «تعادل» حذف شده است.

– ﴿فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ﴾ [عِقَابِي] (الرعد : ۳۲)

پس کیفر من چگونه بود؟!!

ضمیر «یاء» در «عِقَابِي» نیز به همین علت حذف شده است!

در آیات زیر کدام جزء از کلمه حذف شده است؟

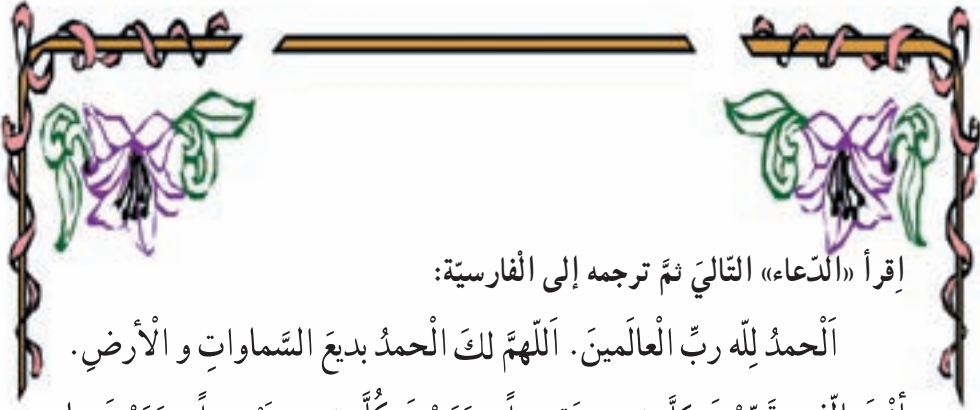
۱- ﴿رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ پروردگارا! دعای مرا بپذیر.

۲- ﴿إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَابِ﴾ به سوی او می‌خوانم و بازگشت من به سوی اوست.

۳- ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾

و هنگامی که بندگام درباره‌ی من از تو پرسند، من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند

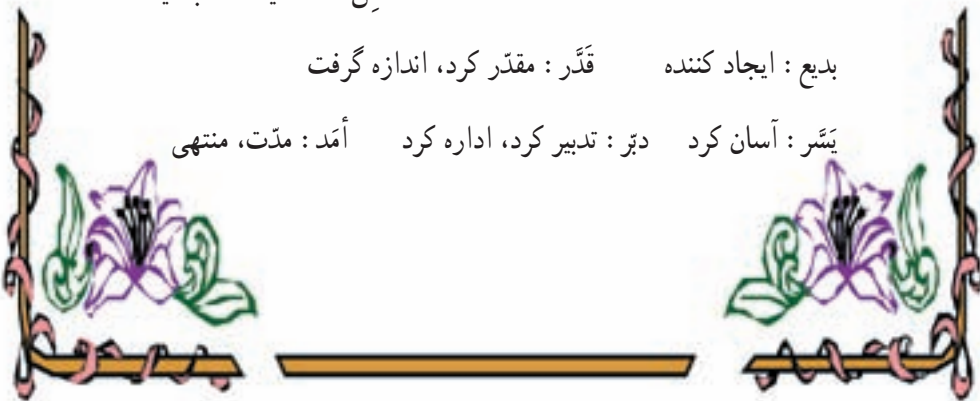
پاسخ می‌دهم.



اقْرَأِ «الدَّعَاءَ» التَّالِيَّ ثُمَّ تَرْجِمِهِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بَدِيعِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.
 أَنْتَ الَّذِي قَدَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَقْدِيرًا وَيَسَّرْتَ كُلَّ شَيْءٍ تَيْسِيرًا وَدَبَّرْتَ مَا
 دُونَكَ تَدْبِيرًا. أَنْتَ الَّذِي جَعَلْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَمْدًا.
 سُبْحَانَكَ، قَوْلُكَ حُكْمٌ وَقَضَاؤُكَ حَسْمٌ وَ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا
 خَالِدًا بِنِعْمَتِكَ وَ شُكْرًا يَفْضُرُ عَنْهُ شُكْرُ كُلِّ شَاكِرٍ.

مِن «الصَّحِيفَةِ السَّجَّادِيَّةِ»



بَدِيعُ : ايجاد كنده قَدَّرَ : مقدر كرد، اندازه گرفت

يَسَّرَ : آسان كرد دَبَّرَ : تدبير كرد، اداره كرد أَمْدٌ : مدت، منتهى